



• درآید:

## در باره یکی از ویژگی های شخصیتی مدرس ...

■ دکتر سید جعفر شهیدی

آنچه در پی می آید، سخنرانی استاد ارجمند دکتر سید جعفر شهیدی در کنگره مدرس و تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران است که در هشتم و نهم آذرماه ۱۳۷۴ در محل ساختمان شماره ۲ مجلس شورای اسلامی برگزار شد. استاد شهیدی هر چند در این سخنرانی به شیوه مالوف خود، گزیده گوئی را برگزیده، اما به سؤال مهمی که برخی از منتقدین مدرس مطرح می سازند، پاسخ جالبی داده است.

می آیم سراغ دیگر مسائل، مقداری از آنها را جناب آقای دری نجف آبادی امروز به اطلاع شما رساندند. این دست اطلاع را یا بهتر بگویم مجموعه افکارشان را مقایسه کنیم با مجموعه افکار آن روزی ها، در آن دوره کی ها بودند؟ اکثریتی ملاک که به زور پول یا وابستگی به دولت شاه به مجلس راه پیدا کرده بودند. گروهی نمی گویم بیسواد، ولی دارای معلوماتی در حد متعارف و عده ای روشنفکر که ای کاش این عده هم نبودند و متأسفانه همان عده، تعزیه گردان مجلس و سیاست گزار کشور شده بودند پیرو سیاست های غربی، نمی خواهیم بگویم خود فروخته به

دو رساله از ایشان آورده بود که هر دو، رساله خطی بود، یکی در فقه و یکی در اصول. من می خواهم بعضی ها که با این فن آشنایی دارند، همان کتاب ها را ملاحظه بکنند و ببینند که ایشان چه دقت نظری در مسائل فقهی و اصولی داشته اند.



بسم الله الرحمن الرحيم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین و الطاهرین. اللهم صل علی محمد و آل محمد. شیبی که خدمت آقای طارمی بودیم؛ ایشان به بنده فرمودند که یک مجلسی داریم و شما باید آنجا مطالبی بگویید. به ایشان عرض کردم من سخنران نیستم، بالاخره قرار شد ظرف پنج دقیقه مطالبی را به عرض حاضران برسانم. حالا می خواهم از آن پنج دقیقه یک دقیقه هم کم کنم و در آن یک دقیقه به مطلبی دیگر بپردازم. در این جلسه و در هر جلسه ای می شنوم که می گویند مملکت ما، مملکت ایران. آقایان توجه دارند مملکت نام جایی است که در آن شاه باشد. این معنی در سال ۱۳۵۷ از مملکت شسته شد. کتاب لغت را باز کنید، «المملکه مایعیش فیہ الملک، مملکت جای شاه است.» در همین سال ۵۷ که من در بغداد بودم، یعنی هنوز اوایل انقلاب بود و انقلاب به ثمر نرسیده بود، مرا دعوت کرده بودند برای چند سخنرانی در دانشگاه های عراق. اول سخنرانی گفتم، «انی احب هذه المملکه.» بیست نفر، شاید، کوبیدند روی میز که که استاد اشتباه کردید؛ الجمهره یه، معذرت خواستم. گفتم درست است، این سبق لسان بود. آن سال ها که من عراق بودم، اینجا را مملکت می گفتند و حالا شده است جمهوری. من مخصوصاً از آقایان نمایندگان خواهش می کنم واژه مملکت را به کار نبرند. جمهوری اسلامی ایران بگویند یا کشور ایران. اما آنچه که درباره شخصیت مرحوم مدرس باید به عرضتان برسانم نکته ای است که در همان دو سه دقیقه بیشتر وقت نمی گیرد. یک نفر یا دو نفر یا سه نفر تا آنجا که اطلاع دارم به مرحوم مدرس خرده گرفتند که ایشان در نظرهایش خود خواه بود و می خواست حرف خودش را پیش ببرد. هر کس از او اطاعت می کرد، او را ترویج می کرد؛ می خواهد آن شخص وثوق الدوله باشد یا رضاخان و اگر با او مخالف بود، با او مخالفت می کرد؛ می خواهد مستوفی الممالک باشد یا مؤتمن الملک. ممکن است این نکته در ذهن بسیاری خدشه ای ایجاد کند، ولی این عیب نیست به جای خود عیب که نیست، مدح مرحوم مدرس است.

سخنرانی

● یکی دو نفر تا آنجا که اطلاع دارم به مرحوم مدرس خرده گرفتند که ایشان در نظرهایش خود خواه بود و می خواست حرف خودش را پیش ببرد. هر کس از او اطاعت می کرد، او را ترویج می کرد؛ می خواهد آن شخص وثوق الدوله باشد یا رضاخان و اگر با او مخالف بود، با او مخالفت می کرد؛ می خواهد مستوفی الممالک باشد یا مؤتمن الملک. ممکن است این نکته در ذهن بسیاری خدشه ای ایجاد کند، ولی این عیب نیست به جای خود عیب که نیست، مدح مرحوم مدرس است.

غرب بودند. به نظر آنها راه پیشرفت در تقلید از غرب بود. در چنین شرایطی و با چنین مردمی، مدرس باید چه کار می کرد؟ نباید سعی می کرد حرف خودش را پیش ببرد. اگر مدرس در نظر خودش از نظر خودش عدول می کرد و تسلیم این عده می شد، آیا معنایش این نبود که او از معتقدات خودش برگشته و شخص خودش را بر کشور ترجیح داده است؟ بنابراین باید به این آقا و آقایانی که این جور فکر می کنند بگویم کوشش مدرس در پیشبرد رأی خود، نه تنها نقصی برای مدرس نیست، بلکه کمال مدح این بزرگوار است. بیش از این مزاحمتان نمی شوم. اللهم صل علی محمد و آل محمد. ■